

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم تسليماً

قال تعالى: (وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا
جَلَّاهَا)1، يوماً بعد يوم يرفع الله سبحانه بفضله ومنه عن بصائرنا طين
المادة، لنعود ونبصر كما أراد لنا الله عز وجل أن نبصر، وأن نرى من
آياته الكبرى التي تجلى بها لخلقه معرفاً نفسه لهم تفضلاً منه تعالى
وإنعاماً وإكراماً.

خداوند متعال فرمود: (قسم به خورشید و نورش، قسم به ماه وقتی بعد از خورشید
بیاید، قسم به روز وقتی خورشید را روشن گرداند)2، روز به روز خداوند سبحان با فضل
و منتش از چشمان ما گل ماده را می‌زداید، تا بازگردیم و همان طور که خداوند عزوجل
برای ما اراده کرده، ببینیم، و آیات بزرگی که به واسطه آن برای آفریدگانش تجلی کرده
را مشاهده کنیم و به واسطه آن خداوند، خودش را برای آنان معرفی می‌کند، و به آنان
تفضل می‌کند و نعمت و گرم می‌بخشد.

ومن تلك الآيات العظيمة وجود حجة الله جل وعلا بين ظهرانيها يبين
لنا كما قال الله تعالى: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا
كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ
مُبِينٌ)3، نعم والله قد جاءنا من الله نور وكتاب مبين، فلم يكن يدور بخلد
الناس أن تكون الرؤى أو ما يصطلحون عليه بـ (الأحلام) ميداناً معرفياً
يستبين منه الحق وينفى عنه خبث الباطل وأدرانته، ويكشف عن حقيقة

1 الشمس: 1 - 3.

2 شمس: 1 - 3.

3 المائدة: 15.

**لَطَالَمَا بَقِيَتْ طَيِّبَاتُ الْكُتْمَانِ وَالْخَفَاءِ مَفَادَهَا أَنْ النَّفْسَ الْإِنْسَانِيَّةَ هِيَ وَعَاءُ
كَلِمَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَلِذَلِكَ خَلَقَهَا اللَّهُ جَلَّتْ قُدْرَتُهُ.**

یکی از آن آیات بزرگ، وجود حجت خداوند -جل و علا- در بین ما که مسائل را برای ما روشن می‌سازد، همان‌طور که خداوند متعال فرمود: (ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که بسیاری از چیزهایی از کتاب (آسمانی خود) را که پوشیده می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری (خطاهای شما) در می‌گذرد. قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشن‌گر آمده است)4، بلکه به خدا قسم برای ما از سوی خداوند نور و کتاب آشکار آمده است، و به ذهن مردم نمی‌رسید که رؤیا یا چیزی که به اصطلاح به آن خواب‌ها می‌گویند، وسیله شناختی باشد که از طریق آن حق آشکار می‌شود و بدی و خُبث باطن را از آن نفی می‌کند و از حقیقتی پرده بر می‌دارد که پنهان و مخفی بوده، و آن این که نفس انسان ظرفی برای کلمات خداوند سبحان است، و به خاطر همین خداوند بزرگ، او را آفریده است.

**وَهَذِهِ النَّفْسُ الْوَعَاءُ يَكُونُ تَلْقِيهَا بِحَسَبِ تَطَهَّرِهَا وَإِخْلَاصِهَا (قَدْ أَفْلَحَ
مَنْ زَكَّاهَا)5، وَلَعَلَّ تَلْقَى كَلِمَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي الْمَلَكُوتِ، الْعَالَمِ الَّذِي لَمْ
يَعِصِ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فِيهِ طَرْفَةٌ عَيْنٍ، هُوَ دَلِيلُ كَرَمِ الْمَعْطِيِّ وَتَفْضُلِهِ الْإِبْتِدَاءِ،
وَكَذَلِكَ هُوَ بَيَانٌ لِلنَّاسِ أَنَّهُمْ كُلُّهُمْ مَشْرُوعٌ أَنْبِيَاءَ وَرَسُولَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَلَكِنَّهُمْ
لِلْأَسْفِ حَظَّهُمْ ضَيَعُوا وَرَبَّهُمْ أَغْضَبُوا.**

این نفس ظرفی است و ریزش در این ظرف به حسب پاکی و اخلاص آن است (فردی که نفسش را پاک نموده، رستگار می‌شود)6، ریزش کلمات خداوند سبحان در ملکوت است، عالمی که در آن به اندازه یک چشم به هم زدن از خداوند عصیان نشده

4 مائدة: ۱۵.

5 الشمس: 9.

6 شمس: 9.

است، و آن بر شروع بخشش عطاکننده و فضل او دلالت می‌کند، و هم‌چنین آن بیانی برای مردم مبنی بر این که همه آنان در مشروع پیامبران و فرستادگان خداوند سبحان هستند، ولی متأسفانه آنان بهره خود را از بین بردند و پروردگارشان را به خشم آوردند.

اليوم في هذه الدعوة المباركة أعيد لملكوت الله سبحانه اعتباره الذي أضاعه الناس بالانغماس في عالم المادة حتى بلغ طينها الآذان والأعين فطمست للأسف وحرمت سماع الحق من الحق هكذا من دون واسطة، ومن دون أن يفتح الباب لفلان وفلان ليشكك بناقل الخبر، أو بمتن الخبر، فهذا الخبر لم تتناقله الرجال، بل هو نزل من عند الله سبحانه مباشرة في الوعاء الذي أعده الله سبحانه محلاً لذلك.

امروزه در این دعوت مبارک، اعتبار ملکوت خداوند بازگشته است، چیزی که مردم آن را به سبب فرو رفتن در عالم ماده از بین بردند، به طوری که گِل آن وارد گوش‌ها و چشمان شده و متأسفانه بسته شدند، و از شنیدن حق از خداوند حق و بدون واسطه، محروم گشتند، و بدون این که درب برای فلانی یا فلانی باز بشود تا به ناقل خبر یا متن خبر شک کنند، و این خبری است که افرادی آن را نقل نکردند، بلکه به صورت مستقیم در ظرفی که خداوند سبحان آن را مکانی برای این مسائل قرار داده از سوی خداوند سبحان فرستاده شده است.

وليس غريباً أن يكون القتال في هذه الدعوة المباركة ميدانه إثبات الرؤيا بوصفها سبيلاً إلهياً للهداية لا يمكن نكرانه إلا جهلاً أو جحوداً، ولا يمر بخلد القارئ أن وصف القتال هو دعوة للعنف، بل على العكس تماماً هو دعوة حقيقية للسلام الحقيقي، لأن معنى القتال هنا هو القتال الحقيقي مع الأنا الحجاب الظلماني في النفس الإنسانية الذي يعمل على تشكيكها بنور الله سبحانه وحبسها في هذا العالم المادي الذي هو عدم قابل للوجود، أي هو بالنتيجة عالم عدمي وليس حقيقياً وإن كان له حظ في

الوجود فهو بتقومه بنور الله سبحانه، وإنما كان هذا العالم للامتحان لا غير، والعوالم الحقيقية هي تلك العوالم التي تقترب من النور الحق.

دور از ذهن نیست که در این دعوت مبارک جنگ برای اثبات رؤیا به عنوان یک طریق الهی برای هدایت است که نمی‌توان آن را انکار کرد، مگر از روی نادانی و لجاجت، و به ذهن خواننده خُطور نکند که معنای جنگ در این جا، دعوت به عنف است، بلکه کاملاً برعکس است، و آن همان دعوت حقیقی به اسلام حقیقی است، چون معنای جنگ در این جا همان جنگ حقیقی با مَنیَّت که آن یک حجاب ظلمانی در نفس انسانی که به نور خداوند سبحان تشکیک وارد می‌کند و آن را در عالم مادی حَس می‌کند، ماده‌ای که عدمِ قابلِ وجود است، یعنی در نتیجه عالمی است که عدم است و حقیقت نیست، هرچند بهره‌ای از وجود دارد و این بهره به واسطه نور خداوند سبحان اُستوار شده است، و این عالم فقط برای امتحان است، و عوالم حقیقی عوالمی هستند که به نور حق نزدیک می‌شوند.

والملكوت هو عالم أقرب من عالم الدنيا إلى النور الحق، وهو عالم طاعة، وما يراه فيه العبد فهو حق من عند الحق ليس فيه تضليل أو تزييف أو خداع، ولذلك توجهت له سهام فقهاء آخر الزمان ومن ينعم بقولهم لتشكيك الناس بما يرون من حق في عالم الملكوت الذي فتحه الله سبحانه ببركة وجود وصي ورسول الإمام المهدي (ع)، ليس هذا حسب، وإنما بينَّ اليماني (ع) وصي ورسول الإمام المهدي (ع) أن ما يأتي من الملكوت هو معرفة إلهية عظيمة تختزل لمن يرى في الملكوت ربما عمراً يفنيه في طلب تلك المعرفة وربما يحصل عليها أو قد لا يحصل، ولكن بعروج روحه إلى عالم الملكوت فقد تتلقى فيه تلك المعرفة بزمن قياسي جداً لا يتجاوز اللحظات، وسأدلل على ذلك بنقل جوهرة ملكوتية لأحد الأخوة الذين وفقهم الله سبحانه أن يتلقوا كلماته في عالم الملكوت، وسأنقل لكم تأويل قائم آل محمد ويمانهم (ع) لهذه الكلمات التي تلقاها

الأخ الذي رأى في ملكوت الله سبحانه ما عجز عما يراد منه فأرسل سؤاله إلى قائم آل محمد ويمانيهم (ع) قائلاً:

ملكوت عالمی است که از عالم دنیا به نور حق نزدیکتر است، و آن عالم اطاعت است، و آن چه بنده در آن می بیند همان حقی است که از نزد حق است و در آن گمراهی یا فریب دادن نیست، و به همین خاطر تیرهای فقهای آخرالزمان و افرادی که سخنان آنها را می گویند، به آن مُتوجه است، تا مردم در حقی که در عالم ملکوت می بینند، تشکیک وارد کنند، عالمی که خداوند به برکت وجود وصی و فرستاده امام مهدی (ع) دربهای آن را باز نموده است فقط این نیست، و یمانی (ع) -وصی و فرستاده امام مهدی (ع)- روشن ساخت که آن چه از ملکوت می آید، شناخت الهی بزرگی است برای آن چه که فرد در ملکوت می بیند، و چه بسا در به دست آوردن این شناخت، عمر از بین برود، و شاید به دست بیاید یا به دست نیاید، ولی با بالارفتن روح او به عالم ملکوت، آن شناخت را به دست می آورد، در طول زمانی که از چند لحظه هم نمی گذرد، برای درک این مطلب گوهری ملکوتی را نقل می کنم و این رؤیای یکی از برادران است که خداوند سبحان او را موفق نموده است که کلمات او را در عالم ملکوت به دوش بکشد، و تأویل قائم آل محمد و یمانی آنان (ع) را در مورد این کلمات نقل می کنم، کلماتی که این برادر در ملکوت خداوند سبحان دیده است و منظور از آن را متوجه نشده است و سؤالش را به قائم آل محمد و یمانی آنان (ع) فرستاده است، سؤال این گونه است:

[السؤال / ٤٨٩ : بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سیدی ومولای یابن رسول الله صلوات ربی علیک وعلی آبائک

الطاهرین والمهدیین من ولدک.

سیدی و مولای، رأیت رؤیا فی المنام عجزت عن تفسیرها وأخذ العبرة منها، فوجهت وجهی لکم سیدی لأفهم المقصود من رؤیای: وجدت یا سیدی أني مع مجموعة من الزملاء فی بعثة دراسية لبلد أجنبي، ولكن حين وصلنا لهذه البلدة وجدناها لا تروق لنا ونريد الخروج منها، فكان من معي من الإخوة مختلفين فی ما بينهم علی الطريقة الأمثل وشرح سبب مناسب لمن أرسلنا لهذه البلد، فوجدت نفسي أقول لهم: اجمعوا أمرکم علی قول واحد وقولوا بما قال نبي الله موسى لقومه.

فما كان قول نبي الله موسى لقومه المناسب لمثل حالنا هذا؟ وهل لهذا القول علاقة بقضية الإمام المهدي سلام الله عليه؟ وبماذا توجهني وتنصني به فی مثل هذه المواقف؟].

سؤال / ۴۸۹: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

آقا و مولای من، ای فرزند رسول الله، درود پروردگار من بر تو و پدران پاک و مهديين از فرزندان.

آقا و مولای من، رؤیایی دیدم که از تفسیر و گرفتن عبرت از آن ناتوان هستم، آقای من، به سمت شما رو آوردم تا مقصود از رؤیایم را بفهمم: آقای من، بنده و تعدادی از دانشجویان به سمت کشور خارجی برای تحصیل علم رفتیم، ولی زمانی که به آن شهر رسیدیم متوجه شدیم که آن جا به درد ما نمی خورد، می خواستیم از آن بیرون برویم، برادرانی که با من بودند در مورد راه صحیح و شرح علت مناسب برای فردی که به این شهر فرستاده شدیم اختلاف داشتند، انگار به آنان می گفتم: سخن تان را یکی کنید و سخنی را بگویید که پیامبر خدا موسی به قومش فرمود.

سخن پیامبر خدا موسی به قومش که متناسب با این حال ما بود چیست؟ آیا این سخن با قضیه امام مهدی (ع) مرتبط است؟ درچنین جایگاهی چه نصیحتی به من می کنید؟

فجاءه الجواب كالآتي مع ملاحظة أني سأترك ذلك الجواب الإلهي يتكلم عن نفسه من دون تعليق سائلاً المولى سبحانه أن يكون في تلك الرؤيا وفي تأويلها سبيل هداية للقارئ لمعرفة الحق وداعيه والعمل على نصرته، وجواب الإمام أحمد الحسن (ع) على الرؤيا هو الآتي:

پاسخ به این صورت آمد، و من این پاسخ الهی را رها می کنم تا خود در مورد آن سخن بگوید، بدون اینکه تعلیقی به آن بزنم، و از خدای سبحان می خواهم که در این رؤیا و در تاویل آن، راهی برای هدایت خواننده باشد تا حق و دعوت کننده آن را بشناسد و برای یاری آن عمل کند، پاسخ سید احمد الحسن در مورد رؤیا این چنین است:

[بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

اعلم وفقك الله أن صيحة جبرائيل (ع) تتبعها صيحة إبليس، وكل صيحة حق تتبعها صيحة باطل، فكما تسمع بدعوة الحق وداعي الحق لآبد أن تمر بالامتحان وتسمع من شياطين الإنس والجن الشبهات التي يريدون أن يغطوا بها الحق ويضلوا بها الخلق عن الصراط المستقيم، فهذه رؤياك تبين لك الرد المناسب على شيعة المراجع أو أعوانهم والمنتصرين لهم، الذين يوجبون تقليد غير المعصوم بأهوائهم ونصبوا لأنفسهم عجلًا وسامرياً وضلوا عن سواء السبيل، فالله يبين لك أن الرد المناسب عليهم عندما يدعونك إلى الابتعاد عن الحق هو ما قاله موسى (ع) لأشباهم: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) البقرة: 54.

[بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

خدا به شما توفیق دهد، بدان که بعد از صیحه جبرئیل، صیحه ابلیس می‌آید، و بعد از هر صیحه حقی صیحه باطلی می‌آید، همان گونه که دعوت حق و دعوت کننده حق را می‌شنوی، باید در کنار آن امتحانی باشد و از شیاطین انسان و جن شبهاتی را می‌شنوید که می‌خواهند به واسطه آن حق را بپوشانند، و با آن مردم را از راه مستقیم دور کنند، و این رؤیای شما پاسخ مناسب به شیعه مراجع و یا یاوران و یاران آن هاست، افرادی که تقلید از غیر معصوم را با هواهای خود واجب کردند، و برای خودشان گوساله و سامری قرار دادند و از راه راست گمراه شدند، و خداوند برای شما بیان می‌کند که پاسخ مناسب به آنان وقتی شما را به دوری از حق دعوت می‌کنند، این سخن موسی (ع) به امثال این هاست: (چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما با (به پرستش) گرفتن گوساله، بر خود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و خودتان را به قتل برسانید، که این (کار) نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس (خدا) توبه شما را پذیرفت، که او توبه‌پذیر مهربان است)7.

بل و أيضاً قول موسى (ع) لقومه: (يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ) المائدة: ٢٠، مناسباً لأن تنصحهم به وتذكرهم بوصية رسول الله محمد (ص) إذ نصب فيهم الأئمة والمهديين (ع) (إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا)، فالمفروض أن تشكروا نعمة الله الكبرى عليكم وفيكم باتباع الحق والأخذ بوصية الرسول الكريم محمد، فالله قد آتاكم ما لم يؤتِ أحدًا من العالمين، أنتم بالخصوص في هذه الأمة حيث جعل لكم قادة هم خيرة خلقه سبحانه، وهم محمد وآل محمد الأئمة والمهديون (يَا قَوْمِ

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ].

همچنین سخن موسی(ع) به قومش برای آنان مناسب است: (و یاد کن) زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود، به شما داد)8. با آن می‌توانید آنان را نصیحت کنید و وصیت رسول الله محمد(ص) را به یادشان بیاورید، وصیتی که امامان و مه‌دیین(ع) در آن منصوب شده‌اند (زمانی که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی قرار داد)، واجب است که شما و در میان خود نعمت بزرگ خداوند به میمنت اتباع حق و تمسک جستن به وصیت رسول الله حضرت محمد(ص) شکر نمایید، و خداوند به شما چیزی داده که به فردی از جهانیان نداده است، بخصوص که شما در این امت وقتی که برای شما رهبرانی قرار داد که بهترین آفریدگان خداوند سبحان هستند و آنان محمد و آل محمد(ع) - امامان و مه‌دیین - هستند، (ای قوم، نعمت خداوند بر شما را یاد کنید، وقتی در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی قرار داد، و به شما چیزی داد که به فردی از جهانیان نداده است).

فهل تتدارك أمة تنتسب إلى محمد(ع) سيد الخلق تقصيرها الهائل بحق الكرم الإلهي العظيم إذ تفضل عليهم بظهور داعي الحق يمانى آل محمد(ع) وها هو يقول لهم كما قال موسى(ع) لقومه:

آیا امتی که به حضرت محمد(ص) - اشرف کاینات - منتسب است، کوتاهی بزرگ خود را در حق بخشش بزرگ الهی جُبران می‌کند، وقتی که خداوند با ظهور دعوت

کننده حق - یمانی آل محمد (ع) - به آنان تَفَضَّلَ نموده است، و اوبه آنان همان طور که موسی (ع) به قومش گفت، خطاب می کند:

(یا قوم اذکروا نعمة الله علیکم إذ جعل فیکم أنبیاء وجعلکم ملوکا و آتاکم ما لم یؤت أحداً من العالمین)، و موسی (ع) قائم آل ابراهیم (ع)، و أحمد (ع) قائم آل محمد (ع)، والغریب أن المسلمین یرددون الصلاة الإبراهیمیة - كما یصطلحون علیها - من دون أن یفقهوا سرها !!

(یا قوم اذکروا نعمة الله علیکم إذ جعل فیکم أنبیاء وجعلکم ملوکاً و آتاکم ما لم یؤت أحداً من العالمین) موسی قائم آل ابراهیم (ع) است و أحمد (ع) قائم آل محمد (ع) است، و جالب است که مسلمانان صلوات ابراهیمی را زمزمه می کنند - همان طور که این نام را آنان به این صلوات می گویند - بدون این که راز آن را بدانند!

حتى بین سرها قائم آل محمد الإمام أحمد الحسن (ع) فی المتشابهات أنقله هنا للفائدة وللذکری امثالاً لقوله تعالی: (وَذَكَرْنَا الذِّكْرَ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ) 9.

تا این که قائم آل محمد سید احمد الحسن (ع) راز آن را در متشابهات بیان کرده است، من آن را برای فایده و تذکر نقل می کنم، به خاطر امثال سخن خداوند متعال: (تذکر بده، چون تذکر برای مؤمنین فایده دارد) 10.

وهذا السؤال وجواب الإمام أحمد الحسن (ع) له:

این سؤال و پاسخ سید احمد الحسن (ع) در مورد این مطلب است:

9 الذاریات: 55.

10 ذاریات: 55.

[سؤال / ۱۱۷: اللهم صلّ على محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل إبراهيم، من المعلوم أنّ محمداً وآل محمد أفضل من إبراهيم وآل إبراهيم، فكيف يكون الطلب من الله أن يصلي على محمد وآل محمد كما صلي على إبراهيم وآل إبراهيم(ع)، أليس المفروض أن تكون أفضل مما صلي على إبراهيم وآل إبراهيم؟]

[سؤال / ۱۱۷: اللهم صلّ على محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل إبراهيم "خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، مشخص است که محمد و آل محمد از ابراهیم و آل ابراهیم افضل ترند، پس چگونه از خداوند درخواست می کنیم که همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) درود فرستاده بر محمد و آل محمد(ع) درود بفرستد، آیا این گونه نیست که درود بر محمد و آل محمد از درود بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) با فضیلت تر باید باشد؟]

الجواب: الصلاة على محمد وآل محمد تعني الطلب من الله سبحانه وتعالى أن يفرج عن محمد وآل محمد ويظهر قائمهم، ولذلك قرنت بالصلاة على إبراهيم وآل إبراهيم؛ لأن الله سبحانه وتعالى عجل فرج إبراهيم وآل إبراهيم(ع) وأظهر قائمهم، وهو نبي الله موسى(ع).

پاسخ: درود بر محمد و آل محمد به معنای این است که از خداوند -سبحان و متعال - درخواست می شود که برای محمد و آل محمد(ع) گشایشی حاصل شود و قائم آنان را آشکار کند، به همین خاطر با درود بر ابراهیم و آل ابراهیم همراه شده است، چون خداوند سبحان و متعال در فرج ابراهیم و آل ابراهیم(ع) تعجیل نموده و قائم آنان را آشکار کرده است و او پیامبر خدا موسی(ع) بود.

فالطلب من الله بالصلاة على محمد وآل محمد كما صلي على إبراهيم وآل إبراهيم، يعني: يا الله أظهر قائم آل محمد(ع) كما أظهرت قائم آل

ابراهیم(ع) و هو موسی(ع)، وکان بنو اسرائیل ینتظرون موسی(ع) کما ینتظر المسلمون الإمام المهدي(ع) [الآن].

و درخواست از خداوند برای درود بر محمد و آل محمد(ع) همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) درود فرستاده شده، به معنای این است که خداوندا، قائم آل محمد(ع) را آشکار کن، همان طور که قائم آل ابراهیم(ع) را آشکار نمودی، و ایشان همان حضرت موسی(ع) بودند، بنی اسرائیل مُنتظر موسی(ع) بودند، همان طور که الان مسلمانان منتظر امام مهدی(ع) هستند.]

والحمد لله حمداً كثيراً طيباً أن جعلنا من أهل زمن قائم آل محمد(ع) ووفقتنا بمنه وفضله علينا لمعرفة الحق وداعيه، على أن معرفتنا بقدرنا لا بقدره سبحانه سائلين المولى عز وجل أن يثبتنا بالقول الثابت و يقبلنا في أهل ولايته إنه سميع مجيب دعوة الداعي إذا دعاه.

والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الأستاذ زكي الأنصاري

٦ / شهر رمضان المبارك / ١٤٣٢ هـ ق

الموافق ٦ / آب / ٢٠١١ م

ستایش بسیار و پاک مخصوص خداوند است، به خاطر این که ما را اهل زمان قائم آل محمد(ع) قرار داد، و با مینت و فضل خود بر ما، به ما توفیق شناخت حق و دعوت کننده او قرار داد، شناخت ما به اندازه ماست، نه به اندازه خداوند سبحان، از مولای عزوجل می خواهیم که ما را با سخن ثابت استوار بدارد و ما را در نصرت اهل ولایتش قبول کند، اوست که شنونده و پاسخ دهنده دعای دعوت کننده - زمانی که او را می خواند - است...

والحمد لله وحده وحده وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی انصاری

۶ / ماه مبارک رمضان / ۱۴۳۲ هـ.ق

۶ / آوریل / ۲۰۱۱
